

- یک‌شنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۱۰۸**

سپهرغرب، گروه اقتصادی – سمیرا گمار، یک کارشناس اقتصادی حوزه مبارزه با قاچاق کالا گفت، در حالی که اقتصاد ایران با بحران‌های متعددی همچون رکود، تورم و کاهش قدرت رقابت تولید داخلی مواجه است، پدیده قاچاق کالا به‌واسطه ساختارهای ناکارآمد، تعرفه‌گذاری‌های بی‌برنامه و خلأ اراده اجرایی، به یک مسیر پرسود و کم‌هزینه برای دور زدن قوانین رسمی تبدیل شده است.

پدیده قاچاق کالا سال‌هاست که به یکی از بحران‌های مزمن اقتصاد ایران تبدیل شده؛ بحرانی که نه‌تنها منابع عظیم درآمدی دولت از محل عوارض و مالیات را تهدید می‌کند، بلکه بنیان تولید داخلی، اشتغال و عدالت اقتصادی را نیز با چالش مواجه کرده. در شرایطی که اقتصاد ایران تحت فشار تحریم‌ها، محدودیت‌های تجاری و رکود نسبی به‌سر می‌برد، جریان بی‌وقفه ورود کالاهای قاچاق، آن هم با کمترین خطر و هزینه، نوعی رقابت نابرابر و فرسایشی را علیه تولیدکنندگان رسمی به‌وجود آورده است.

از سوی دیگر، ساختار ناکارآمد نظام تعرفه‌ای، فرایندهای پیچیده واردات رسمی و عدم شفافیت در نظام توزیع رسمی، مشوقی برای توسعه قاچاق شده‌اند. در چنین بستری، سیاست‌های مبارزه با قاچاق نیز بیشتر جنبه شعاری به خود گرفته و سامانه‌های اطلاعاتی و نظارتی که قرار بود ابزار شفاف‌سازی زنجیره تأمین و توزیع کالا باشند، یا به‌درستی اجرا نشده‌اند یا در عمل فاقد ضمانت اجرایی هستند.

با وجود طراحی قوانین مختلف، ازجمله قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و راه‌اندازی سامانه‌هایی نظیر سامانه جامع تجارت، سامانه انبارها، شناسه کالا و… همچنان آمارهای رسمی نشان می‌دهند که میزان کشفیات، رسیدگی‌های قضائی و اجرای احکام در مقایسه با برآورد حجم واقعی قاچاق، باشند. یا به‌درستی اجرا نشده‌اند یا در ایران همچنان یک فعالیت کم‌هزینه، پرسود و کم‌خطر

باقی مانده است.

در این گزارش، با کارشناس حوزه مناطق آزاد و مطالعات مرتبط با قاچاق کالا، به بررسی عمیق ریشه‌های اقتصادی قاچاق، تأثیر ساختارهای تعرفه‌ای و ناکارآمدی نظام توزیع رسمی، تأثیر قاچاق بر تولید و اشتغال، عملکرد دستگاه‌های نظارتی، نقش مناطق مرزی و آزاد و در نهایت راهکارهای اصلاحی برای برون‌رفت از این وضعیت پرداخته‌ایم.



ضعف در نظارت‌های سیستمی، فرایندهای پیچیده و پرهزینه واردات قانونی و بی‌ثباتی سیاست‌های حمایتی، باعث شده تا بسیاری از فعالان اقتصادی به‌جای عبور از هزارتوی کاغذبازی اداری رسمی، راه قاچاق را انتخاب کنند؛ راهی که هم هزینه کمتری دارد و هم خطر آن به شکل نگران‌کننده‌ای پایین است. نتیجه این چرخه میوب، چیزی به جز لطمه جدی به تولید ملی، اشتغال و شفافیت اقتصادی نیست.

ریشه‌های اقتصادی قاچاق؛ از صرفه اقتصادی تا ساختار تعرفه‌ای ناکارآمد

دکتر حسام محمدی، در ابتدای سخنان خود با اشاره به مهم‌ترین دلایل اقتصادی گسترش قاچاق کالا در ایران گفت؛ یکی از اصلی‌ترین دلایل،

وجود انگیزه‌های اقتصادی قوی است که آن را به عملی مقرون‌به‌صرفه تبدیل کرده. سیاست‌های رسمی کشور نیز تأکید دارند که مقابله با این پدیده باید به نحوی انجام شود که این چرخه اقتصادی سودآور از بین برود.

وی تأکید کرد: آمارهای رسمی از کشفیات قاچاق، میزان محکومیت‌ها و اجرای احکام نشان می‌دهد که مجموع این موارد کمتر از یک درصد از حجم برآوردی قاچاق را شامل می‌شود. این یعنی خطر اقتصادی ورود کالای قاچاق بسیار پایین است؛ قاچاقچی می‌داند که احتمال کشف، پیگرد قضائی و مجازات بسیار اندک است، پس با جسارت و اطمینان بیشتری فعالیت می‌کند.

تعرفه‌ها و هزینه رسمی بالا، مشوقی برای قاچاقچیان
این کارشناس اقتصادی حوزه بازرگانی در ادامه به هزینه پایین قاچاق و مقایسه آن با واردات رسمی اشاره کرد و توضیح داد: امروزه واردکننده‌ای که کالایی را از مسیر قاچاق وارد می‌کند، بسته به نوع کالا، در نهایت حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد ارزش کالا را به‌عنوان هزینه قاچاق محتمل می‌شود، در حالی که واردات رسمی نه‌تنها زمان‌بر و پیچیده است، بلکه تعرفه‌های سنگین ۲۰ تا ۴۰ درصدی هم به آن تحمیل می‌شود.

محمدی ادامه داد: وقتی واردکننده رسمی باید درگیر فرآیندهای طولانی ثبت سفارش، تأمین ارز، تخصیص سهمیه و مراحل گمرکی شود، اما قاچاقچی تنها با پرداخت یک‌سوم هزینه‌ها می‌تواند همان کالا را بدون این موانع وارد کشور کند. طبیعی است که تعادل اقتصادی به نفع قاچاق به هم می‌خورد.

بی‌برنامگی در سیاست‌های تعرفه‌ای و تبعات آن
وی افزود، تعرفه‌گذاری یکی از ابزارهای رایج حمایتی از تولید در سراسر دنیاست، اما در ایران فاقد هدف‌گذاری مشخص و زمان‌بندی معین است. در دنیا حمایت تعرفه‌ای موقتی

اقتصادی– مشکلات

بررسی ریشه‌های اقتصادی قاچاق کالا در ایران؛

ساختارهای ناکارآمد، تعرفه‌های بی‌برنامه وغیبت اراده اجرایی

پیشنهادهای اصلاحی؛ از اراده اجرایی تا بازطراحی سیاست‌های حمایتی

بوده و باید به‌تدریج کاهش یابد. مثلاً اگر هدف حمایت از صنعت لوازم خانگی باشد، باید برای پنج سال با برنامه، تعرفه در نظر گرفت و در کنار آن تسهیلات مالی نیز ارائه و تولیدکننده داخلی تقویت شود.

وی تصریح کرد: متأسفانه در ایران، مدت تأکید بر تبعات گسترده قاچاق بر تولید ملی گفت؛ این امر باعث می‌شود که واردکننده رسمی و تولیدکننده داخلی در بلاتکلیفی و بی‌ثباتی قرار گیرند، در حالی که قاچاقچی بدون هیچ نگرانی مسیر خود را طی می‌کند.

تأثیر قاچاق بر تولید ملی، اشتغال و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها

این کارشناس اقتصادی حوزه قاچاق کالا با تأکید بر تبعات گسترده قاچاق بر تولید ملی گفت؛ زمانی که کالای خارجی مشابه، آن هم با کیفیت بالاتر، به شکل قاچاق وارد می‌شود، بازار مصرف داخلی را تصاحب می‌کند. تولیدکننده داخلی که از حمایت مشخص، ضابطه‌مند و هدفمند برخوردار نیست، در رقابت با چنین کالایی دچار مشکل می‌شود و این چرخه در نهایت کاهش اشتغال، ورشکستگی بنگاه‌ها و ضعف در رقابت‌پذیری را در پی خواهد داشت.

محمدی در پاسخ به این پرسش که چه اقداماتی در سال‌های اخیر برای مقابله با قاچاق صورت گرفته، مطرح کرد: قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ابزارهایی چون افزایش جریمه، سامانه‌های رصد کالا مانند سامانه جامع تجارت، سامانه انبارها و شناسه کالا را پیش‌بینی کرده. هدف از این سامانه‌ها، شفاف‌سازی جریان کالا و افزایش خطر برای قاچاقچیان بوده است.

وی اضافه کرد، با وجود طراحی این سامانه‌ها، متأسفانه هنوز به‌طور کامل اجرایی نشده‌اند. اتصال کامل بین آن‌ها برقرار نیست، الزامات اجرا در مناطق آزاد رعایت نمی‌شود و مهم‌تر از همه، اراده و عدم جدی برای برخورد با متخلفان وجود ندارد.

این کارشناس حوزه مناطق آزاد درخصوص بازرچه‌های مرزی، کولبری، ملوانی و استثنائات تجاری نیز اظهار کرد؛ هر یک از این موارد، بخشی از قاچاق را دربر می‌گیرند اما تصور اینکه تمام قاچاق از این مسیرها صورت می‌گیرد، نادرست است. در عمل، مسئولیت‌ها بین دستگاه‌ها و مناطق مختلف پاس‌کاری می‌شود و کسی پاسخگو نیست. مناطق آزاد به کولبران اشاره می‌کنند، کولبران به بازارچه‌ها و بازارچه‌ها به ملوانی‌ها.

محمدی سپس افزود: سامانه‌هایی که در کشور راه‌اندازی شده‌اند، مانند سامانه جامع تجارت و شناسه کالا، باید در مناطق آزاد نیز به‌صورت الزامی و کامل اجرایی شوند تا شفافیت جریان کالایی در کل کشور برقرار شود. در حال حاضر، ضعف اجرایی این سامانه‌ها در مناطق خاص، به نقاط کور قاچاق تبدیل شده است.

وی در بخش پایانی گفت‌وگو، به جمع‌بندی راهکارهای اصلاحی پرداخت و بیان کرد: نخستین گام، داشتن اراده واقعی برای اجرای قانون است. همین سامانه‌های موجود اگر به‌درستی فعال شوند، امکان مقابله مؤثر با بخش زیادی از قاچاق را فراهم می‌کنند. تکمیل و اتصال سامانه‌ها، چه در سرزمین اصلی و چه در مناطق آزاد، از الزامات اساسی است.

این کارشناس حوزه مناطق آزاد و قاچاق کالا در خاتمه ابراز کرد: در حوزه سیاست‌گذاری نیز، تعرفه‌گذاری باید منطقی، هدفمند و زمان‌مند باشد. برنامه‌های سه‌ساله، پنج‌ساله یا حتی ۱۰ ساله باید تدوین کرد که طی آن‌ها تعرفه‌ها به‌تدریج کاهش یابد و هم‌زمان حمایت‌های مالی، فنی و زیرساختی به تولیدکنندگان ارائه شود. این تنها راهی است که می‌توان انگیزه‌های اقتصادی قاچاق را مهار کرد و رقابت‌پذیری تولید داخلی را افزایش داد.

قاچاق کالا؛ تابلوی روشن از اقتصاد بیمار و

سیاست‌های بی‌جهت

در پایان باید گفت؛ قاچاق کالا در ایران، دیگر صرفاً یک پدیده مجرمانه نیست؛ بلکه نشانه‌ای واضح از یک چرخه اقتصادی مختل، ساختارهای قانونی ناکارآمد و سیاست‌گذاری‌های فاقد انسجام است. در کشوری که واردات رسمی نیازمند عبور از ده‌ها مانع اداری، ارزی و تعرفه‌ای مرزی، نه‌تنها آسان‌تر که به‌مراتب مقرون‌به‌صرفه‌تر است.

مشکل فقط مرزهای باز یا خلأ نظارتی نیست. قاچاق در ایران از دل همان سیاست‌هایی تغذیه می‌شود که قرار بوده از تولید حمایت کنند. تعرفه‌هایی که بی‌ضابطه وضع شده‌اند، نه صنعت داخلی را توانمند کرده‌اند، ا ارزی و تعرفه‌ای واردات را منطقی تنظیم کنند. وقتی واردکننده قانونی باید برای یک کالای مصرفی یا صنعتی تا ۴۰ درصد تعرفه بپردازد، در حالی که نمونه قاچاق آن با نصف این هزینه در بازار قابل دسترسی است، نباید انتظار داشت که چرخه رسمی بتواند رقابت کند یا دوام بیاورد.

از سوی دیگر، سیستم‌های نظارتی‌ای که با هزار امید راه‌اندازی شده‌اند، اغلب با نیمه‌کاره‌اند یا فاقد ضمانت اجرا. سامانه‌های تجاری و انبارها، بدون اراده سیاسی و سازمانی برای برخورد، صرفاً ویتترین‌هایی برای گزارش‌سازی‌اند، نه ابزارهایی برای کنترل واقعی بازار.

قاچاق، تنها درد اقتصاد نیست، اما یکی از آشکارترین علائم آن است. تا زمانی که ساختار تعرفه‌ای بر اساس تحلیل واقع‌گرایانه و بلندمدت اصلاح نشود، سامانه‌ها به‌طور کامل و یکپارچه فعال نگردند، و مهم‌تر از همه، اراده‌ای جدی برای اجرای قانون در بدنه دولت شکل نگیرد، کالا همچنان بی‌هیچ دغدغه‌ای، بی‌سروصدا، از مسیرهای خاکستری وارد کشور خواهد شد و تولیدکننده داخلی، تماشگری خواهد بود که در زمین بازی نابرابر، حذف می‌شود.

قرآن، نسخه شفافبخش نسل جوان

به عظمت این کتاب پی ببرند.

وی در پاسخ به این پرسش که اگر قرآن چنین جایگاهی در عالم دارد و ما به عظمت آن پی برده‌ایم، چه کاری مهم‌تر از اینکه فضای خانه خود را با نور و عطر آن منور و معطر کنیم؟ گفت: چه نیکوست که پدر و مادر هر صبح، پس از نماز و پیش از شروع روز، با صوت زیبا، قرآن را تلاوت کنند. این کار، اگر با حضور فرزندان همراه باشد، نور قرآن آرام‌آرام بر قلب و جان آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

وی با ابراز اینکه بزرگان گفته‌اند که وقتی با قرآن مواجه می‌شوید، گویی با کتابی زنده روبه‌رو هستید که با شما سخن می‌گوید افزود: این معجزه الهی شقای دردهای جسمانی، روانی و اخلاقی شماست. اگر این عقیده در خانه حاکم باشد و هر روز صبح قرآن تلاوت شود، فرزندان هم به فراگیری و خواندن آن علاقه‌مند می‌شوند. این استاد بازنشسته دانشگاه بوعلی سینا با بیان اینکه برای کودکان نیز باید از مهر خداوند سخن گفت و سپس آن‌ها را با قرآن کریم، آشنا کرد گفت: معلمان قرآن، یعنی پیامبر، ائمه اظهار و حضرت زهرا علیهم‌السلام، بهترین الگوها برای آموزش قرآن هستند. در ذهن و قلب کودکان، باید تقدس قرآن و احترام به پیامبر و عترت او را ایجاد کنیم.

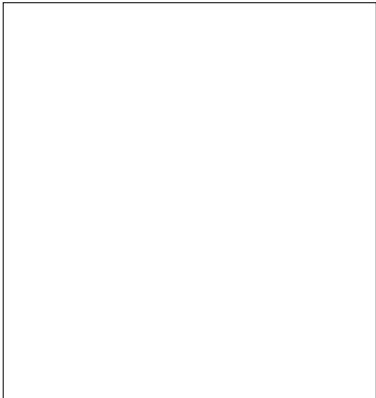
خوشخویی با بیان اینکه این کار را می‌توان با روش‌های جذاب و غیرمستقیم، در فضایی معنوی انجام داد افزود: حتی تلاوت قرآن در دوران بارداری و شیردهی مادر نیز بر کودک تأثیر مثبت می‌گذارد، چراکه کتابی زنده و پویاست و اعجاز خداوند در آن آشکار است.

از سوی دیگر، در عصر فناوری و ارتباطات که افراد با هجوم اطلاعات گوناگون و گاه متناقض مواجه‌اند، قرآن همچون چراغی فروزان، مسیر حق را از باطل متمایز می‌سازد و به زندگی آنان جهت می‌دهد.

اما پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به گونه‌ای با قرآن مأنوس کرد که این ارتباط، پایدار و اثرگذار باشد؟ آیا روش‌های سنتی تربیت قرآنی همچنان کارآمد هستند، یا باید با خلاقیت و نوآوری، راه‌های جدیدی برای جذب نسل جوان به کتاب آسمانی ابداع کرد؟ اینجاست که نقش خانواده‌ها، نظام آموزشی، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی پررنگ می‌شود.

انس با قرآن تنها به خواندن آیات محدود نمی‌شود، بلکه فهم عمیق معارف قرآنی، تدبر در آیات و تطبیق آموزه‌های آن با زندگی روزمره، از ارکان اصلی این رابطه است. اگر جوانان قرآن را به‌عنوان کتاب زندگی بپذیرند، آنگاه شاهد تحولی عظیم در سبک زندگی فردی و اجتماعی آنان خواهیم بود. این مأموریت بزرگی است و همت جمعی را می‌طلبد تا نسلی قرآنی پرورش یابد که هم خود از نور قرآن بهره‌مند شود و هم جامعه را به سمت صلاح و رستگاری رهنمون سازد.

به همین منظور با استاد بازنشسته دانشگاه بوعلی سینا به بررسی عوامل مؤثر در انس نوجوانان و جوانان با قرآن پرداخته و راهکارهای عملی برای تقویت این رابطه معنوی را بررسی خواهیم کرد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید؛



سپهرغرب، گروه مشکلات – ملیکا قانعی؛ قرآن کریم، به‌عنوان کتاب هدایت و نور الهی، مهم‌ترین منبع معنوی و تربیتی برای انسان در تمام اعصار و جوامع است. در دنیای امروز که نوجوانان و جوانان با چالش‌های فکری، اخلاقی و اجتماعی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستند، انس با این کتاب آسمانی می‌تواند راهگشای بسیاری از دغدغه‌های آنان باشد. قرآن با ایجاد الفت با نسل جوان نه‌تنها موجب رشد معنوی و اخلاقی می‌شود، بلکه پایه‌های هویت دینی و فرهنگی را در نسل نو استوار می‌سازد.

نوجوانی و جوانی، دوران شکل‌گیری شخصیت، باورها و ارزش‌های انسان است. در این مرحله حساس از زندگی، قرآن با آموزه‌های ناب خود می‌تواند به‌عنوان یک همراه حکیم، پاسخگوی نیازهای فطری و عاطفی جوانان باشد.

این استاد بازنشسته دانشگاه بوعلی سینا با تأکید بر اینکه پس از تلاوت قرآن، قدم بعدی فهم معانی آن است ادامه داد: چه خوب است که کودکان را تشویق کنیم تا از ترجمه‌های روان بهره ببرند. وقتی فرزندان به سن نوجوانی و جوانی رسیدند، می‌توان آن‌ها را به تدبر در آیات قرآن تشویق کرد.

خوشخویی با بیان اینکه استفاده از تفاسیری مانند تفسیر نمونه یا تفسیر حجت‌الاسلام محسن قرائتی، نیز بسیار مفید است گفت: قرآن اقیانوس بی‌کران معارف الهی است که هر چه بیشتر از آن بنوشیم، تشنه‌تر می‌شویم.

وی با بیان اینکه در نهایت، اگر قرآن در خانواده ترویج یابد و با خلوص تلاوت شود، آرامش روانی، پاک‌ی اخلاقی و دوری از گناه را به ارمان می‌آورد؛ خاطرنشان کرد: دوستی و محبت بین اعضای خانواده و جامعه نیز از برکات قرآن است. کسانی که با قرآن مأنوس هستند، در کشاکش زندگی، راه روشنی پیش‌رو دارند، چراکه نور قرآن قلب‌های آن‌ها را روشن کرده است.

استاد بازنشسته دانشگاه بوعلی سینا با ابراز اینکه اگر برای فرزندان در سن نوجوانی و جوانی، ابهامی درباره معجزه بودن قرآن وجود دارد، باید با استدلال و برهان، این موضوع برای آن‌ها تبیین شود تصریح کرد: به این ترتیب وقتی به سن بلوغ رسیدند، خودشان با اراده کامل به سوی قرآن خواهند آمد. قرآن و عترت پیامبر دو سرچشمه نور و هدایت هستند که انسان را به سعادت می‌رسانند. این دو از هم جدا نشدنی‌اند و قرآن بدون معلمان وحی، یعنی پیامبر و عترت او، به‌درستی فهمیده نمی‌شود.